

ده نامه يا منطق العشاق

سرشناسه	: اوحدی، رکن‌الدین، ۶۷۰-۷۳۸ق.
عنوان و نام پدیدآور	: ده نامه یا منطق‌العشاق / اوحدی مراغه‌ای .
مشخصات نشر	: تهران : آماره ، ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاهری	: ۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۴۴۶ - ۱۴ - ۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۸ق.
موضوع	: Persian poetry -- 8th century
رده بندی کنگره	: PIR۵۳۸۴/م۱ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۸ / ۱۳۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۲۲۸۳۷

# ده نامه یا منطق العشاق

اثری از

اوحدی مراغه‌ای

شاعر و عارف قرن هفتم هجری قمری





عنوان کتاب: ده نامه یا منطق العشاق

شاعر: اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین، ۶۷۰-۶۳۸ق

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۴۴۶ - ۱۴ - ۰

چاپ اول، ۱۴۰۰

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

تلفن مرکز نشر و پخش: تهران، ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

نمایندگی فروش: تهران، خیابان انقلاب، رو بروی دانشگاه تهران، بین دانشگاه و فخر

رازی، پلاک ۱۲۱۲، کتابفروشی انتشارات گوتنبرگ، تلفن ۶۶۴۱۳۹۹۸ - ۲۱

[www.nashre.amareh.ir](http://www.nashre.amareh.ir)

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

## سخن‌ناشر

اوحدالدین اوحدی مَراغِهای، فرزند حسین اصفهانی، از سخنوران و عارفان سدهٔ ۸ق. تولد او را برپایهٔ یکی از ابیات مثنوی جام جم، حدود سال ۶۷۳ق و وفات او را ۱۵ رمضان ۷۳۸ تخمین زده‌اند (نفیسی، ۴۹). دربارهٔ اصل و زادگاه اوحدی، دو نظر متفاوت ابراز شده است: بسیاری اصل او را از مراغه دانسته‌اند و گفته‌اند که بیشتر عمر خود را در اصفهان گذرانده است (اوحدی بلیانی، ۹۸؛ انصاری، ۸)؛ اما نفیسی (ص ۵۰) با عنایت به برخی از سروده‌های اوحدی، زادگاهش را اصفهان دانسته که بعدها مقیم مراغه شده است او مدتها در آذربایجان به غربت می‌زیست (نک: اوحدی مراغهای، ۴۹۹) تا سرانجام پیش از ۷۰۶ق/۱۳۰۶م، مقیم مراغه پایتخت ایلخانان[که در آن زمان از مراکز مهم علم، فرهنگ و هنر آذربایجان بود] شد (نفیسی، ۵۶) و از آنجا در زمان ابوسعیدخان به تبریز رفت و سلطان و وزیرش غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله او را اکرام کردند (اوحدی بلیانی، همانجا). اوحدی حداقل در سالهای ۷۳۳-۷۳۲ق/۱۳۳۲-۱۳۳۳م، در این شهر اقامت داشت (نفیسی، ۵۸)، ولی در پایان عمر به مراغه بازگشت و در همین شهر درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد (خواندمیر، ۲۲۱/۳). مقبرهٔ وی اکنون در مراغه باقی است (مروارید، ۴۲۰؛ شوشتری، ۲/۱۲۳)؛ در حالی که دولت‌شاه وفات او را در ۶۹۷ق/۱۲۹۸م و در اصفهان دانسته، و افزوده است که مزار وی نزد مردم این شهر محترم است (ص ۱۵۹). اوحدی را با صفاتی چون عارف و موحد، ستوده‌اند (همو، ۱۵۷).

[اوحدی دوران کودکی و جوانی خود را در شهر مراغه بسر برده و تحصیلات مقدماتی خویش را نیز همان جا فرا گرفته و سپس از زادگاه خویش بیرون آمده و به

سیاحت پرداخته است و بنا به گفته‌ی خودش از مکتب روزگار تجربه‌های فراوان اندوخته و از معلم زمانه درس و آداب زندگی آموخته است: سالها چون فلک به سرگشتم / تا فلک وار دیده ور گشتم.] از جمله شهرهایی که وی در دیوانش بدانها اشاره دارد، اینهاست: بصره، بغداد، دمشق، سلطانیه، کربلا، کوفه، نجف، قم و همدان.

از چگونگی دانش‌اندوزی او اطلاعی در دست نیست. او را شاگرد اوحالدین کرمانی (وفات ۶۳۴ق) دانسته‌اند که در کرمان دست ارادت به وی داده، و تخلص خود را نیز از نام وی برگرفته است (اوحدی بلیانی، همانجا). هرچند این قول با توجه به سال مرگ اوحالدین کرمانی، بی‌پایه می‌نماید درباره‌ی مذهب اوحدی مطلبی به صراحت بیان نشده است، ولی در دیوان او اشاراتی هست که از اعتقاد وی به تشیع حکایت می‌کند. از جمله: چندین بار از امام علی(ع) (ص ۳۶، ۵۵۶، ۵۶۳، ۵۸۴، ۶۷۲)، امام حسین(ع) (ص ۴-۶)، امام رضا(ع) (ص ۴۸۹) و حضرت مهدی(ع) (ص ۴۹۳)، یاد کرده است؛ اما نفیسی (ص ۵۹-۶۰) با استناد به اشارات شاعر به خلفای راشدین و «چهار یار» و یا «یار غار» خواندن آنها (ص ۳۵۲، ۴۸۸، ۵۵۹، ۶۰۱) و نیز اشاره‌ی او به شافعی (ص ۵۷۰)، چنین استدلال می‌کند که مردم خراسان، عراق و آذربایجان در سده ۸ق، بیشتر شافعی بوده‌اند و اهل این مذهب نسبت به سایر مذاهب اهل تسنن، علاقه خاصی به اهل بیت دارند و لذا اوحدی می‌تواند شافعی باشد. آثار: سروده‌های اوحدی از همان آغاز، موردتوجه بوده و در آثار دیگران نقل شده است (حمدالله، ۸۱۶؛ نفیسی، ۶۰-۶۱) و شمار آنها به ۱۴،۷۲۹ بیت می‌رسد (همو، ۶۰)

۱) دیوان، شامل قصاید، غزلیات، ترکیبات، ترجیعات و رباعیات است (همانجا). علیشیر نوایی این اثر را مشهور دانسته (ص ۳۲۷-۳۲۸)، و جامی آن را در غایت لطافت و عذوبت گفته که به ویژه ترجیعاتش دارای حقایق و معارف است (ص ۶۰۴). در میان سروده‌های اوحدی به غزلهای او عنایت بیشتری شده است؛ چنانکه در زمان خود

اوحدی، برخی آنها را استقبال کرده‌اند (نفیسی، همانجا)، و یا برخی از کاتبان به لحاظ مشابهت مضامین بعضی از غزلها با بهترین غزلهای حافظ، به اشتباه افتاده، و غزلهای اوحدی را در نسخه‌های دست‌نویس دیوان حافظ وارد ساخته‌اند (اخوان، ۱۳۷؛ بیگدلی، ۱۶۶؛ مسرور، ۱۳۰-۱۲۹).

۲) جام جم، از مثنویهای اوحدی است که سرودن آن را در ۷۳۳ق/۱۳۳۳م، پس از یک سال در تبریز به پایان برد و به نام خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله کرد (اوحدی مراغه‌ای، ۴۹۹-۵۰۰؛ نفیسی، ۵۷؛ مسرور، ۱۳۲). این مثنوی، بر وزن و اسلوب حدیقه سنایی سروده شده است (جامی، همانجا؛ اوحدی بلیانی، ۹۸) و از همان ابتدا، با اقبال مردم روبه‌رو بود و از آن نسخه‌های متعدد تهیه می‌شد (دولت‌شاه، ۱۵۹).

۳) منطق العشاق، یا ده نامه، محبت‌نامه. این مثنوی از مجموعه آثار است که به همین نامها در سده‌های ۷-۱۰ق سروده شده است و شامل نامه‌هایی عاشقانه بود که میان عاشق و معشوق مبادله می‌شد (برهان، ۱۴۰؛ عیوضی، ۵۲۵-۵۲۶). اوحدی این اثر را در ۷۰۶ق/۱۳۰۶م، به نام وجیه‌الدین یوسف بن حسن، نوه خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه به پایان رساند (اوحدی‌مراغه‌ای، ۴۵۵-۴۵۶؛ نفیسی، ۵۶).

از آثار اوحدی دست‌نویسهای بسیاری باقی مانده است. این آثار دارای چاپهای مختلف و متنوعی است (نک: همو، ۶۵). آخرین چاپ کلیات وی به کوشش سعید نفیسی در ۱۳۴۰ش در تهران صورت گرفت. (برگرفته از: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱۰ مقاله ۴۱۰۰ و جلد ۱۷ مقاله ۶۳۶۹).

امید است چاپ اول این کتاب مورد استفاده اهل فضل و ادب قرار گیرد. در چاپ‌های بعدی این اثر تلاش می‌شود تا ایرادات و اشکالات بخصوص اشکالات

حروف‌نگاری برطرف شود. یکی از تغییراتی که برای چاپ بعدی مورد نظر است اِعراب‌گذاری کامل، شرح لغات و برخی از ابیات خواهد بود. از تمام افرادی که دستی بر ادب و ادبیات دارند یاری می‌طلبیم. در پایان برای پی بردن به موقعیت تاریخی و عقَبه‌ی ادبی اوحدی مراغه‌ای تاریخ ولادت و وفات برخی از ناموران ادبیات فارسی زبان ذکر می‌شود:

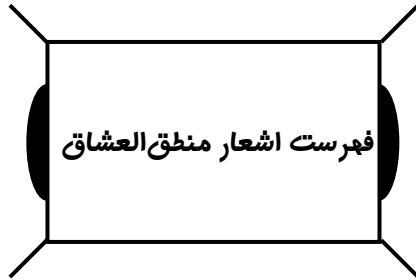
ردیف	نام شاعر	تاریخ حدودی (ولادت(قمری)	تاریخ حدودی (وفات (قمری)	محل دفن
۱	رودکی	~۲۵۰	۳۲۹	تاجیکستان
۲	باباطاهر	۳۲۶	۴۱۱	همدان
۳	فردوسی	۳۲۹	۴۱۱	توس
۴	دقیقی	۳۳۰	۳۷۰	بلخ
۵	ابوسعید ابوالخیر	۳۵۷	۴۴۰	ترکمستان یا خراسان
۶	فرخی سیستانی	۳۷۰	۴۲۹	غزنه
۷	ناصر خسرو	۳۹۴	۴۸۱	بلخشان
۸	خواجه عبدالله انصاری	۳۹۶	۴۸۱	هرات
۹	خیام	۴۲۷	۵۱۰	نیشابور
۱۰	سنایی	۴۷۳	۵۴۵	غزنه
۱۱	انوری	~۵۰۰	۵۷۵	تبریز؟
۱۱	خاقانی شروانی	۵۲۰	۵۹۵	تبریز
۱۲	نظامی گنجوی	۵۳۷	۶۱۲	گنجه
۱۳	عطار	۵۴۰	۶۱۸	نیشابور
۱۴	مولوی	۶۰۴	۶۷۲	قونیه
۱۵	سعدی	۶۰۶	۶۹۱	شیراز
۱۶	همام تبریزی	۶۳۶	۷۱۴	تبریز
۱۷	اوحدی مراغه‌ای	۶۷۳	۷۳۸	مراغه
۱۸	ابن یعین	۶۸۵	۷۶۹	خراسان
۱۹	خواجوی کرمانی	۶۸۹	۷۵۳	شیراز
۲۰	عبید زاکانی	۷۰۱	۷۷۲	اصفهان یا بغداد



ردیف	نام شاعر	تاریخ حدودی ولادت(قمری)	تاریخ حدودی وفات (قمری)	محل دفن
۲۱	حافظ	۷۲۷	۷۹۲	شیراز
۲۲	شاه نعمت اله ولی	۷۳۰	۸۳۲	ماهان
۲۳	عبدالرحمان جامی	۷۹۳	۸۷۱	هرات

## مآخذ





**فهرست اشعار منطوق العشاق**

- ۲ ..... در احوال خویش و صفت ممدوح
- ۲ ..... در دعای ممدوح خداوند زاده
- ۲ ..... در مذمت روزگار
- ۲ ..... در مناجات
- ۲ ..... آغاز دهنامه
- ۲ ..... نامه اول از زبان عاشق به معشوق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... مثنوی
- ۲ ..... آگاه شدن معشوق از حال عاشق
- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... نامه دوم از زبان عاشق به معشوق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... فرد
- ۲ ..... رسیدن نامه معشوق به عاشق

- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... حکایت
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... نامه سوم از زبان عاشق به معشوق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... فرد
- ۲ ..... رسیدن نامه عاشق به معشوق
- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... حکایت
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... نامه چهار از زبان معشوق به عاشق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... فرد
- ۲ ..... شنیدن عاشق سخن معشوق را
- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... حکایت
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... نامه پنجم از زبان عاشق به معشوق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... مثنوی
- ۲ ..... شنیدن معشوق سخن عاشق را

۲	..... خلاصه سخن
۲	..... حکایت
۲	..... تمامی سخن
۲	..... نامه ششم از زبان معشوق به عاشق
۲	..... غزل
۲	..... مثنوی
۲	..... شنیدن عاشق سخن معشوق را
۲	..... خلاصه سخن
۲	..... حکایت
۲	..... تمامی سخن
۲	..... نامه هفتم از زبان عاشق به معشوق
۲	..... غزل
۲	..... مثنوی
۲	..... شنیدن معشوق سخن عاشق
۲	..... خلاصه سخن
۲	..... حکایت
۲	..... تمامی سخن
۲	..... نامه هشتم از زبان معشوق به عاشق
۲	..... غزل
۲	..... فرد
۲	..... رسیدن نامه عاشق به معشوق

- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... حکایت
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... نامه نهم از زبان عاشق به معشوق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... فرد
- ۲ ..... رسیدن نامه عاشق به معشوق
- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... حکایت
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... نامه دهم از زبان معشوق به عاشق
- ۲ ..... غزل
- ۲ ..... مثنوی
- ۲ ..... شنیدن عاشق سخن معشوق را
- ۲ ..... خلاصه سخن
- ۲ ..... حکایت
- ۲ ..... تمامی سخن
- ۲ ..... در خاتمت کتاب

## سرآغاز

زبان را در فصاحت کام بخشید  
به نار بیدلی سوزنده دل  
جهان جان ز عکس جام او هوش  
دمادم بر رسول و عترت او  
فلک دهلیز چاوشان خیلش

به نام آنکه ما را نام بخشید  
به نور خود بر افروزنده دل  
سر هر نامه‌ای از نام او خوش  
درود از ما، سلام از حضرت او  
ابوالقاسم، که شد عالم طفیلش